

تحلیل باستان‌شناختی کتیبه آرامی مکشوفه از تپه قالاچی

دکتر حسین علیزاده

گروه باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

h_alizadeh313@yahoo.com

رقیه سلطانی لشکناری

دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳)

چکیده

در نیمه نخست هزاره اول ق.م دولت مانا در شمال غرب ایران شکل می‌گیرد. شواهد باستان‌شناسی نشانگر تأثیرپذیری سیاسی و فرهنگی این تمدن از حکومت‌های مجاور خود بوده است. بر اساس تحقیقات زبان‌شناسی، ماناها از بقایای اقوام هوری زبان هستند. داده‌های باستان‌شناسی معدودی، نشانگر ویژگیهای نوشتاری یا دست‌کم خطوط مورد استفاده ساکنان این تمدن می‌باشد. مهمترین اثر، کتیبه‌ای به خط آرامی است که از کاوش تپه مانایی قالاچی بوکان در سال ۱۳۶۴ش بدست آمد. مقاله حاضر به تحلیل باستان‌شناختی کتیبه مذکور بر اساس واژگان موجود در متن سنگ‌نوشته و تطبیق آن با حوادث سیاسی دوره مانا می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شمال‌غرب ایران، مانا، تپه قالاچی بوکان، کتیبه آرامی، تحلیل باستان‌شناختی

مقدمه

شمال‌غرب ایران در نیمه نخست هزاره اول ق. م شاهد ظهور حکومتی به نام مانا است. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی، هسته مرکزی این دولت نواحی جنوبی دریاچه اورمیه بویژه شهرستان‌های سقز و بوکان فعلی می‌باشد که محوطه‌های معروف و برجسته مانایی همچون زیویه، قالاچی، ربط، زندان سلیمان و دیگر محوطه‌ها در آن قرار دارند.

به لحاظ زمانی ماناها در فاصله سالهای ۸۴۳ تا ۵۹۳ ق. م به مدت ۲۵۰ سال در تاریخ مطرح بوده و هفت نفر بر طبق منابع موجود از سال ۸۲۹ ق. م شامل اوآلکی، ایرانزو، آزا، اولوسونو، بلخابو، آخسری، اوآلی بر مانا فرمانروایی می‌کنند. اوج قدرت سیاسی و توسعه قلمرو مانا را شاید بتوان اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۷ ق. م دانست. در زمان اوآلی دولت مانا به عنوان تابع و یاور آشور بر ضد بابل عمل می‌کند و در نهایت با فروپاشی این قدرت منطقه‌ای که نحوه آن دقیقاً مشخص نیست سرزمین مانا ضمیمه خاک ماد گشته و به این ترتیب از صحنه تاریخ حذف می‌شود.

تا چند دهه قبل متون آشوری باعث شناخت فرهنگ و تمدن مانایی بوده‌اند اما در حال حاضر کاوش و بررسی‌های باستان‌شناختی اطلاعات این دوره را تا حدودی افزایش داده و مهمتر از همه کشفیات مربوط به خط نوشتاری و یا دستکم خطوطی که ساکنان مانایی با آنها آشنا بوده‌اند سبب توجه بیشتر به این دوره شده است.

کشف آجر نوشته‌هایی به خط آشوری نو از تپه مانایی ربط سردشت، کتیبه اورارتویی تالش در ارتباط احتمالی با ایالت مانایی آندیا، بویژه کتیبه آرامی قالاچی بوکان از موارد مهم خطوط نوشتاری هستند که حاکمان سیاسی مانا به احتمال در مکاتبات خود استفاده می‌کردند.

گروه زبانی ساکنان مانا

زبان مانایی بر اساس نام مکان‌ها و اشخاص که در متون آشوری بدان اشاره شده است در زمره زبانهای غیر هند و اروپایی و غیر سامی می‌باشد.

بر اساس مطالعات، اقوام هوری در اواخر هزاره ۴ ق. م از منطقه قفقاز (Winter 1989:100)، به سمت شمال‌غرب و مرکز ایران، شرق آناتولی، شمال سوریه و عراق مهاجرت می‌کنند. نخستین اطلاعات راجع به اسامی مکانها، زبان و محدوده استقرار اقوام هوری زبان از منابع سلسله سوم اور بدست آمده است. سارگن اکدی و شاهان نخستین آشوری و بابلی نیز مدارکی از دولت شهرهای کوچک هوری در اسناد خود بجا گذاشته‌اند (Wilhelm, 1994:5-10).

بر طبق منابع، هوری‌ها از اواخر هزاره سوم ق. م مبادرت به تشکیل حکومت می‌کنند. یکی از قدرتمندترین آنها دولت میتانی بوده که در اواسط قرن ۱۵ ق. م در مناطق بین کوههای زاگرس و رود فرات شکل می‌گیرد. ظاهراً در نیمه نخست هزاره اول ق. م دولت‌های اورارتو و مانا، آخرین حکومت‌های هوری زبانی هستند که به حیات

بسیار دور می‌باشد. تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که هوریها در شکل‌دهی به حکومت مانا نقش اساسی داشته و عناصر زبانی هوری در بین ساکنین مانا بیشترین درصد را دارند (Zadok, 2002: 112-113, Postgate, 1987: 340) دولت مانا از امیرنشین‌های متعددی تشکیل می‌شد. ظاهراً امیرنشینهای مانایی به لحاظ نژاد و زبان به هم شبیه بوده‌اند (زهتابی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷) منابع تاریخی آشوری نشان می‌دهند که نماینده امیرنشین زیکیرتو (حدود میانه فعلی) بوسیله یک مترجم مانایی با عنوان گِی_کی_ای با آشوریان ارتباط برقرار کرده است. (ملازاده، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵) این امر از یک جهت نشان‌دهنده برخی تفاوت های زبانی بین این امیرنشین‌ها و از طرف دیگر نشانگر تکلم ماناها به زبان ویژه خود می‌باشد. "بومر" بر هوری بودن اسامی بجا مانده از دوره مانایی تاکید کرده و زبان ساکنین مانا را نیز هوری می‌داند (وینتر، ۱۳۸۷، ص ۸۴).

مدارک خط و زبان مانایی

به احتمال بیشتر، ماناها هم مثل سرزمین‌های مجاور (آشور و اورارتو) دارای خط و کتابت ویژه خود بوده و از آن در مکاتبات استفاده می‌کردند. متأسفانه یافته‌های باستان‌شناسی تا به حال نتوانسته است ابهامات موجود در زمینه خط و زبان ساکنین مانا را به طور کامل مشخص نماید.

نخستین مدرک نوشتاری بدست آمده از محوطه های مانایی مربوط است به علائم

خود ادامه داده‌اند. (وینتر، ۱۳۸۷، ص ۹۲-۹۰؛ Kuhrt, 1995: 551) ارتباط مذکور بین زبان هوری و زبان مردم مانایی هم وجود دارد.

«دیاکونوف بر اساس تجزیه و تحلیل زبان شناختی اسناد آشوری نظر می‌دهد که در قرون ۹-۷ ق. م در منطقه آذربایجان و کردستان هیچ نام ایرانی دیده نمی‌شود. به نظر او این مناطق از نظر زبانی بیشتر هوری، لولوبی و گوتی بوده‌اند. اقوام هوری در قسمت‌های وسیعی از شمال غرب ایران ساکن بوده و زبان آنها با اورارتویی ارتباط داشته است. همین‌طور آنها در تکوین دولت مانا در حوضه دریاچه اورمیه در اوایل هزاره اول ق. م نقش بسزایی داشته‌اند (طلایی، ۱۳۷۴، ص ۴۰).

با وجود مشکل بودن تعیین دقیق زبان مردم مانا، بعضی از دانشمندان همچون "ریچارد فرای" با توجه به تطبیق نام جاها، وجود قرابت بین زبان عیلامی و مانایی را مطرح می‌کنند. (بهزادی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳) به همین دلیل نظریاتی راجع به ارتباط زبانهای عیلامی، سومری و مانایی با اقوام قفقازی مطرح است. برخی از کلماتی که امروزه توسط اهالی آذربایجان به کار گرفته می‌شود ظاهراً دارای ریشه های مشترک با زبانهای عیلامی و مانایی می‌باشد. از جمله کاربرد واژه های "آتا" به معنای پدر، واژه خان، واژه اوش به معنی سه و قایا یا کایا به معنی سنگ صخره‌ای (اوشکایا: نام قدیم اسکو) و کلمات دیگری که در گذشته نیز به حالت فعلی استفاده می‌شدند (زهتابی، ۱۳۷۸، صص ۳۶۳-۳۶۲) نشاندهنده پیوستگیهای فرهنگی و زبانی منطقه از زمانهای

Ia از بین رفته و داده های معماری لایه *Ic* نیز گزارش نشده است (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۲۹-۲۳۰) مهمترین یافته های این تپه یک مجموعه ساختمانی در مرکز تپه با فضاهای معماری مستقل است که به لایه *Ib* تعلق داشته و بر روی لایه قدیمی تر *Ic* بنا شده است. کشف کتیبه ای به خط آرامی در اولین فصل کاوش و مطابقت واژه زعتر در این کتیبه با "ایزرتوی" مذکور در منابع آشوری به عنوان پایتخت مانا، یافته های معماری و آجرهای لعابدار سبب اهمیت این مکان شده است (یغمایی، ۱۳۶۴، ص ۹).

کتیبه آرامی تپه قالاچی

مهمترین دستاورد فصل اول کاوش تپه قالاچی در سال ۱۳۶۴ علاوه بر آثار معماری و سفالین، کشف بخش اصلی یک کتیبه سنگی (تصویر ۳) از لایه *Ib* آن بوده است. (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۲۹) بخش کوچکتر و جدا شده ای از این کتیبه نیز در سال ۱۳۶۹ از بازار فروش عتیقه جات غیر مجاز کشف و ضبط گردید. کتیبه به خط آرامی با ۱۳ سطر و در ابعاد ۱۸۰×۵۰ سانتیمتر می باشد. به نظر می رسد بخش ابتدایی کتیبه که به احتمال حاوی مضمون روشن و شاید برپا کننده آن بوده بریده و از بین رفته است. تنها سیزده سطر تکمیل کننده مضمون اصلی به صورت نفرین نامه ای باقی مانده است. (لومر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹) نخستین بار بشاش آن را قرائت نمود و با اشاره به واژه "زعتر" (ایزرتو) که در متن سنگ نوشته آمده کتیبه را به زمان

هیروگلیفی موجود بر روی بشقاب نقره ای زیویه (ابریشمی، ۱۳۶۸، ص ۱۶) که هنوز مفهوم آن رمزگشایی نشده است. همین طور استل تپه قالاچی به خط و زبان آرامی هم که توسط اسماعیل یغمایی در سال ۱۳۶۴ ش (یغمایی، ۱۳۶۴، ص ۹) کشف شده است کمک چندانی به روشن شدن نوع خط این دوره نمی کند. وجود کتیبه های متعدد اورارتویی در شمال غرب ایران به خصوص اینکه برخی از آنها همچون سنگ نوشته های داش تپه و عجب شیر در ارتباط با فتح سرزمین مانا در جوار یا درون قلمرو پادشاهی مانا واقع شده اند در کنار ارتباطات نزدیک فرهنگی و زبانی این فرضیه را می تواند بوجود آورد که ماناها با خط و زبان اورارتویی آشنا بوده و از آن در مکاتبات استفاده کرده اند. به همین ترتیب همجواری تپه مانایی ربط سردشت با ایالات تابعه آشور نیز سبب آشنایی و به کارگیری خط و زبان آشوری توسط ساکنین این محوطه مانایی در هزاره اول ق. م شده است.

تپه قالاچی

تپه قالاچی با حدود یک هکتار مساحت و به شکل طبیعی و معماری تقریباً مدور (تصویر ۲ و ۱) در مجاورت روستایی کوهپایه ای به همین نام و ۸ کیلومتری شمال شرقی بوکان واقع شده است. کاوش های قالاچی منجر به شناسایی استقرار آن شامل یک دوره فرهنگی با سه لایه ساختمانی شده که از بالا به پایین به ترتیب *Ic, Ib, Ia* نامگذاری شده اند. آثار لایه سطحی

متأسفانه بخش ابتدایی و مهم کتیبه از بین رفته و به همین دلیل زمان دقیق ایجاد آن مشخص نمی شود. ولی اکثراً بر پایه شیوه تحریر سنگ‌نوشته و دستکم بر اساس اتفاقات سیاسی این دوران و وجود واژگانی همچون خالدی، هداد و زعتر در متن، تفسیرهایی در تعیین تاریخ آن ارائه شده است.

نکته بسیار مهم کتیبه نگارش آن به خط و زبان آرامی است. در حالی که در مانا عناصر زبانی هوری درصد غالب را شکل می‌دهد است. طبیعی است انتظار داشته باشیم در سنگ‌نوشته از زبان و خط ویژه مانایی استفاده شود. البته استفاده از خط آرامی فقط مخصوص این محوطه و دوره نبوده بلکه مدارک مربوط به این خط در اواخر قرن ۸ ق. م همچون ظروفات فلزی با خطوط آرامی بر سطح خود (Lomer, 1998:29) کشف و موجود هستند. ممکن است خط ویژه مانایی به صورت محدود بوسیله قشر ممتاز درباری استفاده می‌شد و فقدان مدارک آن نیز به دلیل عدم کشف آنها باشد. مسئله مهمتر ذکر نام خدای خالدی (خدای جنگ و اعظم اورارتویی) و خدای هداد (خدای طوفان آرامیها: شمال سوریه) در متن کتیبه است. افعال با بررسی و تحلیل کتیبه به این نتیجه می‌رسد که برپا کنندگان سنگ‌نوشته کسانی بوده‌اند که در واقع خدایان مذکور همچون "خالدی" و "هداد" را نیایش می‌کرده‌اند. (Ephil, 1999:116-121) البته بکار رفتن نام خالدی بواسطه همجواری و زمینه‌های مشترک فرهنگی و

اولوسونو و به پس از ۷۱۶ ق. م مربوط دانست (بشاش، ۱۳۷۳، صص ۲۹-۲۸) سپس آندره لومر، کتیبه مذکور را بازخوانی و وجود واژه زعتر را در متن آن تایید کرد (Lomer, 1998:15-30) همین طور محققین و زبان‌شناسان دیگری همچون "افئال" و "فالس" نیز این سنگ نوشته را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. مفاد این کتیبه بیشتر سبب رونق گرفتن موضوع مکانیابی ایزیرتو و مباحث مرتبط با خط مانایی شده است.

ترجمه کتیبه :

۱. کسی که این سنگ یادبود را بردارد [...]
۲. در جنگ یا در صلح همه آفت [...]
۳. که وجود دارد در سراسر این زمین، که خدایان ویران کنند خانه
۴. آن شاه را زیرا که او ناسزا گفت به خدایان و او که ناسزا گفت
۵. به خالدی در زعتر، باشد که هفت گاو ماده
۶. شیر دهند یک گوساله را و او سیر نشود و هفت
۷. زن بپزند در یک تنور و آنها نشوند
۸. پر (سیر نشوند)، باشد که محو شود از کشورش دود آتش و صدای
۹. آسیاب؛ باشد که زمینش نمک سوده شود؛ و باشد که بمیرد سرور
۱۰. ش، به آشفته خاطری؛ و در حق شاه که [...]
۱۱. بر روی این استل، که تختش او را واژگون کنند خدایان هداد(د)
۱۲. و خالدی؛ که هفت سال متوالی هـ(داد) بر نیاورد بانگش را
۱۳. در کشورش؛ و او نابود کند کسی را که ناسزا بگوید به این سنگ یاد بود. (لومر، ۱۳۷۷، صص ۱۰۹-۱۱۰)

زبانی با اورارتو می‌تواند دلیلی بر پرستش خالدی توسط ساکنین مانا هم باشد. اما طبیعی بود که در کتیبه بجای خدای "هداد" از خدای "تثوب" (خدای طوفان هوری زبانها) استفاده می‌شد. ملاحظه می‌کنیم که خدای طوفان توسط ماناها هم پرستش می‌شود ولی با اسم ویژه مانایی. از طرف دیگر ذکر نام خدای هداد می‌تواند این فرض را بوجود آورد که این کتیبه بوسیله کاتبان غیر مانایی و به سفارش ماناها نگاشته شده است. بویژه اینکه شیوه نگارشی آن با کتیبه های آرامی شمال سوریه همچون تل اسفیر شباهت دارد (Lomer, 1998:22) شاید بتوان با مطالعه نوع و ویژگیهای سنگ و محل استخراج آن به موقعیت جغرافیایی نویسندگان کتیبه پی برد. در کتیبه نامی از آشور و خدایان آنها برده نشده این نشان می‌دهد که متن در ارتباط با آشور نبوده و آنها در ایجاد سنگ‌نوشته نقشی نداشته‌اند. در اوایل قرن ۷ ق. م که مانا با آشور در حال ستیز بود روابط خود را با اورارتو و دیگر مناطق پیرامونی آشور همچون شمال سوریه برای تحت فشار گذاشتن آشوریه گسترش داده بود و ذکر نام خدایان اورارتویی خالدی و خدای آرامی هداد به ترتیب تقدم و تأخر که به نوعی دلالت بر پیمان دوستی توأم با انقیاد مانا و اورارتو می‌باشد (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۳۱) به نظر می‌رسد در این راستا انجام یافته است. لومر با بررسی و تحلیل متن کتیبه، آن را همانند مجسمه "تل فخریه" یک یادمان سلطنتی و یا پیمان نامه انقیاد همانند کتیبه "سفیره" می‌داند (لومر،

۱۳۷۷، ص ۱۱۶) که ظاهراً با توجه به وجود نوعی نفرین در تمامی سطور آن با کتیبه های یادبود تناسب بیشتری دارد.

نکته مهمتر متن، وجود عبارت «خالدی در زعتر» است که بیشتر محققین و زبان‌شناسان واژه "زعتر" را همان "ایزیرتو" (پایتخت مانا)، منطبق با قالایچی دانسته‌اند. دانشمندانی همچون آندره گدار، بومر، فالس و وراچامازا، مکانهای متفاوتی را برای انطباق با پایتخت مانایی "ایزیرتو" پیشنهاد داده اند که در این میان نظر وراچامازا مبنی بر انطباق دره زرينه رود در شمال بوکان (Lomer, 1998:22) با یافته‌های باستان‌شناسی قالایچی همخوانی دارد. به همین دلیل با توجه به جایگاه مرکزی این شهر و اهمیت معبد آن بر طبق داده های کاوش، طبیعی است که ماناها این سنگ‌نوشته را در پایتخت خود نصب نموده باشند. مطالعه جغرافیای تاریخی مانا نیز تا حدی بر انطباق ایزیرتو در شمال بوکان صحنه می‌گذارد اما اینکه "زعتر" مذکور در کتیبه واقعاً همان "یزیرتو" یا "ایزیرتو" به عنوان پایتخت مانایی باشد، به نظر برخی محققان همچون "فالس" و "لومر" با شک و تردید همراه است. این تردید توسط افثال در نوع نوشتار واژه زعتر (tr) با واژه ایزیرتو (rt) بیان می‌شود. شک در ایزیرتو (پایتخت) بودن تپه قالایچی با در نظر گرفتن وسعت بسیار کوچک محوطه و عدم استحکام مناسب حصار آن که ویژگیهای یک شهر مرکزی را در خود ندارد بیشتر می‌شود. شاید کاوشهای باستان‌شناسی در آینده و کشف مدارک

استفاده از نام خدایان آشوری در متن کتیبه را می‌توان بر اساس روابط تیره بلخابو و آخسری با آشور توجیه کرد. با این توصیفات به نظر می‌رسد که کتیبه یا در نخستین سالهای حکومت اولوسونو (هنگام گرایش به اورارتو در اواخر قرن ۸ ق. م) و یا در زمان فرمانروایی بلخابو و آخسری (درگیری مانا با آشور در اوایل قرن ۷ ق. م) بوجود آمده است.

نتیجه گیری:

همانگونه که بیان کردیم ارتباط زبانی بسیار نزدیکی بین هوریها و ساکنین مانا وجود داشته است و عناصر زبانی هوری درصد غالب زبان ساکنین مانا را شامل می‌شد. این اطلاعات از برخی اسامی مکانها و اشخاص مذکور در کتیبه های غالباً آشوری کسب شده است. متأسفانه تا به حال کتیبه قابل استنادی به زبان و خط ویژه مانایی بدست نیامده است. مدارک موجود همچون خط هیروگلیفی بشقاب زیویه یا رمز گشایی نشده و یا همچون مدارک بدست آمده از تپه ربط به خط و زبان آشوری نو هستند. مهمترین سند مکشوفه این دوران همان کتیبه آرامی قالایچی است که بر اساس آن شاید بتوان گفت که ماناها دارای خط رسمی آرامی بوده و در مکاتبات خود آن را به کار می‌بردند و به دلیل ارتباط و تأثیر فرهنگی با همسایگان قدرتمند در مناطق مرزی با خط میخی اورارتویی و آشوری نو هم آشنا بوده و به احتمال از آن خطوط نیز استفاده می‌کرده اند.

جدید بتواند موضوع "ایزرتو" بودن یا نبودن آن را کاملاً حل نماید. بیشتر زبان شناسان و محققین همچون فالس، لومر و افثال که این سنگ‌نوشته را مطالعه کرده‌اند به لحاظ سبک و شیوه نگارش، کتیبه را متعلق به اواخر قرن هشتم و یا اوایل قرن هفتم ق. م می‌دانند (Fals;2003:133,

Ephil,1999:116-121, Lomer,1998:22)

به احتمال زیاد زمان تحریر کتیبه به ترتیب با یکی از شاهان مانایی شامل ایرانزو، آزا، اولوسونو (اواخر قرن ۸ ق. م) و یا بلخابو و آخسری (اوایل قرن ۷ ق. م) مصادف بوده است. در بین اینها اولوسونو بدلیل اهمیت رویدادهای تاریخی آن دوره بیش از همه اهمیت داشته و به احتمال کتیبه هم در زمان وی نگاشته شده است. البته باید روابط حسنه اولوسونو در اوایل حکومتش با اورارتو و سپس گرایش کامل به آشور را مدنظر داشت. اگر کتیبه در اوایل حکومت اولوسونو نوشته شده باشد اشاره به خدای خالدی اورارتویی و عدم اشاره به خدایان آشور در کتیبه قابل توجیه است. شاهان پیش از وی همچون ایرانزو و آزا نیز روابط خوبی با آشور داشته اند. پس ذکر نام خدای اورارتویی خالدی می‌تواند بیانگر این باشد که کتیبه در زمان ایرانزو، آزا و شاید اولوسونو نوشته نشده است. زیرا با توجه به روابط نزدیک فرمانروایان مانایی با آشور نامی از خدایان آشوری برده می‌شد و نه از خدای خالدی اورارتویی که دشمن مشترک آنها بوده است. فرمانروایان مانایی حاکم در اوایل قرن ۷ ق. م یعنی بلخابو و آخسری برخلاف اسلاف خود با آشوریان در نبرد بوده اند. عدم

منابع:

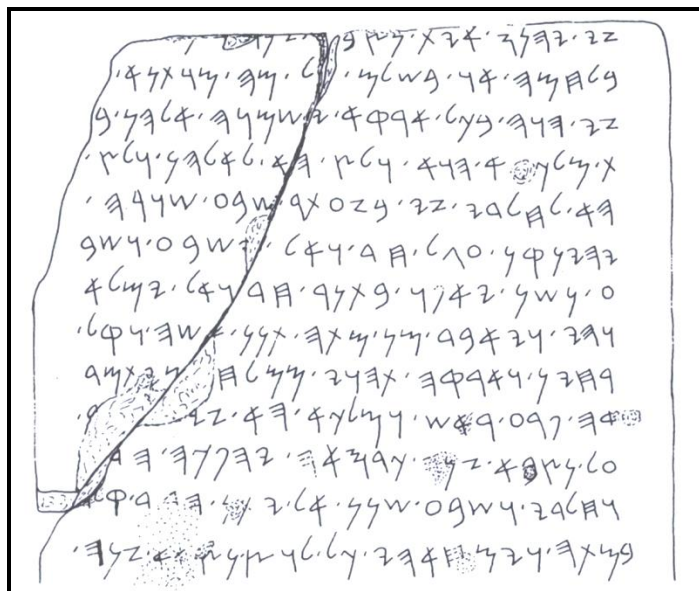
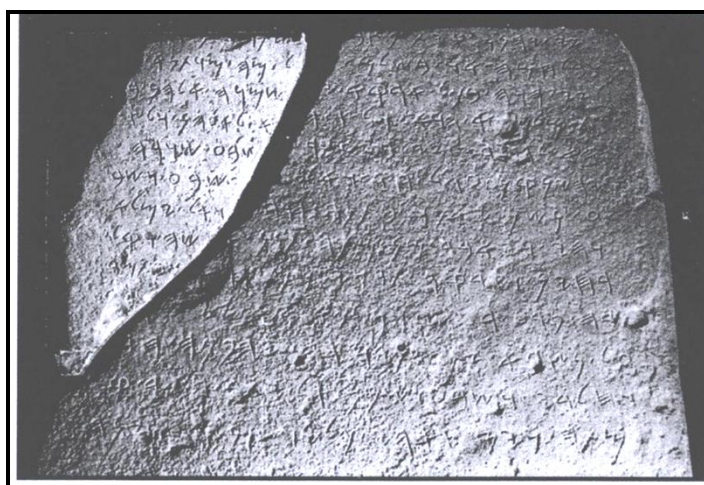
- ابریشمی، محمدحسن، ۱۳۶۸ "خاستگاه نام سقز و نقش های سینی زیویه، نقدی بر نظرهای گیرشمن"، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۲، صص ۲۸-۱۵
- بشاش، رسول، ۱۳۷۳، "قرائت کامل کتیبه بوکان"، مجموعه مقالات اولین گردهمایی زبان، کتیبه و متون کهن، شیراز ۱۴-۱۲ اسفند؛ انتشارات سازمان میراث فرهنگی؛ تهران، صص ۲۵-۳۹
- بشاش، رسول، ۱۳۸۳، "قرائت دو کتیبه تازه اورارتویی در آذربایجان شرقی و طول تالش گیلان"؛ مجموعه مقالات همایش بین المللی باستانشناسی ایران، شمال غرب؛ به کوشش مسعود آذرنوش، صص ۱۱-۱۶
- بهزادی، رقیه، ۱۳۸۳، قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، انتشارات طهوری، تهران
- دیاکونوف. ا. م، ۱۳۷۱، تاریخ ماد؛ ترجمه کریم کشاورز؛ انتشارت علمی و فرهنگی، جلد دوم
- زهتابی، محمدتقی، ۱۳۷۸، ایران تورکلرینین اسکی تاریخی؛ جلد اول، نشر اختر، تبریز
- طلایی، حسن، ۱۳۷۴، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق. م؛ انتشارات سمت؛ تهران
- طلایی، حسن، ۱۳۷۸، عصر آهن ایران؛ انتشارات سمت؛ تهران
- عفیفی، ریحانه، ۱۳۸۸، مطالعه، تحلیل ساختار و ترکیب هنری آجرهای لعابدار در محوطه
- باستانی تپه ربط ۲، شهرستان سردشت؛ پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر
- کارگر، بهمن، ۱۳۸۳، "قالایچی زیرتو مرکز مانا، لایه IB": مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان شناسی ایران، حوزه شمال غرب؛ پژوهشکده باستانشناسی، به کوشش مسعود آذرنوش؛ صص ۲۴۵-۲۲۹
- کارگر، بهمن، ۱۳۸۴، "گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش تپه ربط ۲ شهرستان سردشت"؛ آرشیو اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی
- لومر، آندره، ۱۳۷۷، "کشف یک کتیبه به زبان آرامی مربوط به قرن ۸ ق. م در آذربایجان غربی، بوکان"؛ ترجمه رسول بشاش؛ مجله اثر، شماره ۳۰ و ۲۹، صص ۱۲۰-۱۰۹
- ملازاده، کاظم، ۱۳۸۳، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی مانا؛ رساله دوره دکتری باستان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران
- ویتتر، آیرین، ۱۳۸۷، "جام زرین حسنلو، سی سال بعد"؛ مجموعه مقالات جام حسنلو، جلد اول؛ مترجمان علی صدرایی و صمد علیون؛ ناشر گنجینه هنری سازمان میراث فرهنگی؛ تهران
- یغمایی، اسماعیل، ۱۳۶۴، کشف معبد هزارساله در بوکان؛ روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۱۲/۲۱، صص ۹

- Eliyari, S; 1996; *Azerbaijan Tarihi*; Azerbaijan Nesriyati; Baki.
- Gashgai, C; 1993; **Manna Dovleti; Azerbaijan Devlet Nesriyati**, Baki
- Kargar, B. & A. Binandeh; 2009; **"A Preliminary Report of Excavation at Rabat tepe, Northwest Iran"**; Iranica Antiqua; vol XLIV: p113–129
- Kuhrt, A; 1995; *The Ancient Near East c. 3000-330 B.C"*; Vol (2); Routledye; London and Newyork.
- Lemaire, A. U; 1998; **"Une inscription Aramme de VIII S. AV. J. C. Trovree a Bukan"**; Stadia Iranica 27; p15–30
- Postgate, J. N; 1987; **"Mannaer"**; Reallaxikon der Assyriology und Voderrasiatischen Archaeologie VII.
- Wilhelm, G; 1994; *The Hurrians*; Aris and Philips ltd, Warminster England.
- Winter, I; 1989; **"The Hasanlu Gold Bowl: Thirty years later"**; Expedition 31(2,3): 89–106
- Zadok, R; 2002; **The Ethno – linguistic Character of North-western Iran and Kudistan in the Neo Assyrian period"**; Iran (40), p89–151



تصویر ۲- دورنمای ضلع شمالی تپه قالاچی بوکان (عکس از نگارنده)

تصویر ۱- عکس هوایی تپه قالاچی بوکان



تصویر ۳- کتیبه آرامی قالاچی بوکان

(لومر، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰)